

## فرهنگ و انتخابات هشتم تیر



مجید صیادی  
مدیرکل اداره کتاب  
در دولت اصلاحات

اگر بپذیریم که انتخابات راهی است برای اعلام اولویت‌های مردم به حکومت، آنگاه اهمیت اعلام برنامه و اولویت‌های کاری هر نامزد انتخابات به‌ویژه ریاست‌جمهوری آشکار می‌شود. البته از منظر دیگری نیز اعلام برنامه و اولویت‌ها از سوی نامزدها مهم است. به‌علاوه از این منظر انتظارات مردم از منتخبین منطقی و معقول می‌شود.

مثلاً در یک کشور مفروض مردم به نامزدی رأی داده‌اند که حفظ ارزش پول ملی در رأس برنامه‌های او بوده و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور در مرتبه بعدی قرار داشته. او توانسته طی یک یا دو دوره رئیس‌جمهوری ارزش پول ملی را حفظ و به ثبات برساند. در چنین حالتی نباید فراموش کرد که پرداختن به مهم‌ترین حوزه (در این مثال اقتصاد و حفظ ارزش پول ملی) به‌معنای بی‌اهمیتی و رها کردن سایر حوزه‌ها نیست.

طبیعی است که در انتخاب بعدی مردم به نامزدی رأی دهند که حوزه دیگری غیر از حفظ ارزش پول ملی در رأس برنامه‌هایش باشد. نکته‌ای که مهم است و نباید از آن غافل شد این است که گاه اولویت شماره یک چنان مورد توجه نامزدها و منتخبین قرار می‌گیرد که سایر حوزه‌ها به حاشیه رانده می‌شود.

در انتخابات این دوره ریاست‌جمهوری به‌دلیل اوضاع غیرقابل تحمل اقتصادی از تورم، گرانی و بیکاری گرفته تا ریزش مداوم ارزش ریال و... طبیعی و پذیرفتنی است که حوزه اقتصاد در رأس مطالبات مردم و نیز برنامه‌های نامزدها باشد.

اما این بدین معنا نیست که سایر حوزه‌ها از جمله فرهنگ و اجتماع فاقد اهمیت و فوریت لازم هستند یا فاصله آنها از اقتصاد از حیث ضرورت رسیدگی خیلی زیاد است. در ظاهر این موضوع بدیهی می‌نماید، اما تجربه به ما می‌گوید که در کشور ما بدیهیات نیز ممکن است کم‌اهمیت شمرده شوند. یکی از این تجربه‌ها در دولت دوم سازندگی اتفاق افتاد. در آن زمان هر چند ضرورت بازسازی خرابی‌های جنگ و سروسامان دادن به عمران و اقتصاد به‌درستی در رأس برنامه‌های دولت قرار داشت، اما کم‌توجهی به حوزه فرهنگ و اجتماع و واگذاری مدیریت آنها به غیراھلش، این حوزه‌ها را تبدیل به نقاط ضعف آن دوران کرد و بعد از آن به غیر از دوران اصلاحات، به حاشیه رانده شدن مشکلات و مطالبات این دو حوزه در برابر اولویت بی‌چون و چرای اقتصاد، به نگرانی و دغدغه کنشگران این حوزه‌ها تبدیل شد. اکنون و در آستانه انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری، بیش از پیش این دغدغه وجود دارد.

از میان شش نامزد عبور کرده از نظارت استصوابی، پنج نفر قبلاً با عملکردشان نشان داده‌اند که به مسائل این حوزه‌ها چگونه نگاه می‌کنند. سانسور، فیلترینگ، برخورد با اهالی رسانه، هنر و کنشگران مدنی، رقابت با فعالین در بخش خصوصی این حوزه‌ها به پشتوانه منابع و حمایت‌های دولتی، تهدید و تحدید نهادهای مدنی و مواردی از این قبیل حاصل نگاه و عملکرد آنهاست. از این جهت دکتر پزشکین تنها گزینه‌ای است که نقطه امید کنشگران حوزه فرهنگ، هنر و نهادهای مدنی است. بنابراین روی سخن این نوشتار به ایشان و همراهان‌شان است.

جناب آقای دکتر پزشکین همه می‌دانیم که در وضعیت فعلی و تا اطلاع ثانوی اقتصاد زیربناست. اما به همان میزان نیز در برابر دستور و اعمال قدرت دولت‌ها مقاوم است و میزان مانور محدود. برخلاف آن سامان دادن به حوزه فرهنگ و نهادهای مدنی، نه منابع مالی و سرمایه‌گذاری قابل توجهی می‌خواهد و نه اهرم‌های خارجی مثل تحریم تأثیر قابل توجهی دارد. زودبازده است و امیدآفرین. به‌عنوان مثال حذف ممیزی قبیل از چاپ برای کتاب‌های بزرگسالان به تنهایی پیام‌تغییر و امید به آینده را به جامعه به‌ویژه اهالی فرهنگ و هنر، مخایره می‌کند. در سایر فعالیت‌های فرهنگی، همچنین نهادهای مدنی اقدامات مشابه زیادی را می‌توان یافت. برای پرداختن به مصادیق اقتصادی، حوزه فرهنگ و نهادهای مدنی را به تنهایی که معتقدند رئیس‌جمهور در حوزه فرهنگ کاره‌ای نیست و باید فقط به فکر آب و نان مردم باشد واگذار نکنید.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عدی و احمدزید آبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نیون • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

# تغییر مفهوم مربی در جه یک

## معرفی سر مربی پرسپولیس

### با موجی از مخالفت و انتقاد هواداران این تیم روبه‌رو شد



سپهر خرمی

خبرنگار ورزشی هم‌میهن

ظاهراً قرار است پرسپولیس‌ها هر پنج‌ماه با یک شوک بزرگ روبه‌رو شوند. یحیی گل محمدی اواسط فصل گذشته و بعد از تساوی مقابل مس رفسنجان، از سمت خودش به‌عنوان سرمربی استعفا کرد. رضا درویش حدود سه‌هفته وقت گذاشت تا با برانکو و سایر گزینه‌های مطلوب هوادار مذاکره کند. در نهایت با پاسخ منفی از سوی برانکو و سایر گزینه‌ها، مدیریت تصمیم گرفت دستیار گل محمدی را به‌عنوان سرمربی معرفی کند که دست بر قضا او نتیجه داد و سرخپوشان صدرنشینی را از استقلال پس گرفتند. حالا تاریخ بار دیگر تکرار شده، این بار اوسمار رفت و درویش با وعده‌های فراوان مبنی بر اینکه مربی درجه یک خواهد آمد، توقع را بین هواداران پرسپولیس بالا برد اما به‌یکباره نامی از سید خارج شد که باعث شوکه شدن هواداران شد که به کم قانع نبودند. در این گزارش قصد داریم در خصوص روند انتخاب یکی از گزینه‌های عجیب باشگاه پرسپولیس یعنی خوان گاریدو به‌عنوان سرمربی پرسپولیس بنویسیم.

### چرا اوسمار رفت؟

بعد از استعفای ناگهانی گل محمدی، دستیار او یعنی اوسمار و به‌را سرمربی پرسپولیس شد. او با بیش از ۱۴۰ هزار کامنت منفی مواجه شد چراکه پرسپولیس‌ها معتقد بودند، باید مربی بزرگتر از اوسمار به این جمع بیاید. مدیریت باشگاه بیش از دو هفته وعده حضور برانکو را داد، اما به‌یکباره نام اوسمار از سید خارج شد. اوسمار سبک بازی سرخ‌ها را تغییر داد و با ارائه یک فوتبال هجومی باعث شد استقلال بعد از ۱۶ هفته صدرنشینی، به رتبه دوم سقوط کند. قهرمانی به پرسپولیس رسید، اما اوسمار هم مانند یحیی به‌یکباره اعلام کرد قصد ندارد در ایران مربیگری کند و عطای قهرمانی را به لقایش بخشید و رفت. او اعلام کرد، بنا به تصمیم خانواده‌اش دیگر طاقت دوری از آنها را ندارد و بهتر است در ادامه زندگی کنار آنها باشد. اوسمار با انتشار یک استوری در صفحه شخصی اینستاگرامش از پرسپولیس رفت و پایان کارش را رسماً اعلام کرد.

### گزینه‌های عجیب و غریب

اوسمار رفت و خیلی سریع دلال‌ها گزینه‌های خود را برای به کرسی نشاندن مربی خود بر مسند مربیگری پرسپولیس معرفی کردند. یکی از گزینه‌هایی که در آستانه مربیگری پرسپولیس بود، نویشا یوویچ صربستانی بود که با کارنامه‌ای عجیب و بسیار ضعیف، با واکنش منفی هواداران روبه‌رو گشت و باشگاه پرسپولیس مجبور شد این گزینه را از بین مریدان معرفی شده به‌طور کامل حذف کند. دیگر مربی‌ای که به باشگاه پرسپولیس معرفی شد، فت‌شپ هلمندی بود که بنا به مسائل غیرورزشی، این گزینه نیز حذف شد. ماتزاری ایتالیایی که کارنامه قابل قبولی داشت و سال‌ها در ناپولی ایتالیا تجربه‌اندوزی کرده بود نیز به‌دلیل اینکه برخی افراد او را از

حضور در ایران ترسانده بودند، پاسخ‌اش را به‌شکل پایان باز گذاشت تا پرسپولیس از حضور او در ایران ناامید شود. او هیچ پاسخ منفی‌ای نداد اما پاسخ مثبت هم نداد تا در نهایت باشگاه پرسپولیس با محدودیت بودجه ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار دلاری سراغ مربی‌ای برود که کمتر کسی تصورش را می‌کرد.

### اشتباه عجیب اسپانسر باشگاه

اسپانسر باشگاه پرسپولیس اما دوشنبه‌شب به‌یکباره با انتشار استوری‌های پیاپی اعلام کرد، قرار است یک مربی درجه یک به ایران و پرسپولیس بیاید. همین استوری کافی بود تا مالک و سهامدار اصلی باشگاه، یعنی بانک شهر نیز برای عقب‌نماندن از اسپانسر باشگاه، استوری دیگری منتشر کند و وعده حضور یک مربی بزرگ برای پرسپولیس را بدهد. خواهی این حرکات هیجانی از سوی سهامدار و اسپانسر باشگاه پرسپولیس باعث شد تا در عرض کمتر از دو ساعت، اسامی زیادی در رسانه‌ها مطرح شود. یکی از رسانه‌های پربازدید ورزشی که هر ۱۰ دقیقه، یک‌مربی را به‌عنوان سرمربی پرسپولیس معرفی کرد که همگی اشتباه بود. نام‌هایی چون زاوی هراندز و زاوی گارسیا نیز مطرح شد که آن‌ها هم اشتباه بودند.

### شوگ بزرگ

بعد از اسامی بزرگی که از سوی رسانه‌ها به اشتباه منتشر شد باشگاه پرسپولیس نه؛ اما اسپانسر آنها نام خوان گاریدو را به‌عنوان سرمربی بعدی پرسپولیس معرفی کرد. مربی‌ای که طی پنج سال اخیر شش بار اخراج شده و فقط دو جام‌قهرمانی در تمام دوران مربیگری خودش دارد. او که ستاره ساحلی تونس بود، از لیگ مراکش و مصر هم اخراج شده، اما دو بار هم قهرمانی آورده است. دو قهرمانی گاریدو، با الاهلی مصر در سال ۲۰۱۴ و الر جاهد در سال ۲۰۱۸ در مسابقات کنفدراسیون آفریقا بود که سطح دوم مسابقات باشگاهی آفریقا است و یک‌سطح پایین‌تر از لیگ قهرمانان آفریقا است. خوان کارلوس گاریدو از فصل ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ هدایت رجا کازابلانکا را برعهده داشت و با این تیم توانست قهرمان جام حذفی مراکش شود و در جام کنفدراسیون آفریقا در سال ۲۰۱۸ هم عنوان قهرمانی را کسب کرد. گاریدو در فصل ۲۰۲۳ هدایت یواس‌ام الجزایر را برعهده گرفت اما یک بحران سیاسی میان الجزایر و مراکش موجب شد او از هدایت این تیم کناره‌گیری کند. بهترین نتایج گاریدو در اروپا با ویارئال بوده. او سال ۲۰۰۹ با این تیم در لالیگا، هفتم شد و فصل بعد در رده چهارم قرار گرفت، راهی نیمه‌نهایی لیگ اروپا شد و سهمیه لیگ قهرمانان اروپا را هم کسب کرد. او فصل بعد اخراج شد. خوان کارلوس گاریدو در سال ۲۰۱۹ سرمربی العین شد و در دو بازی رفت و برگشت مقابل استقلال در آسیا، یک مساوی و یک باخت کسب کرد و همراه با استقلال از گروه حذف شد. معرفی گاریدو باعث شد تا هواداران پرسپولیس اعتراض خود را به اسپانسر باشگاه اعلام کنند که وقتی شما با رمز مربی در جهیک توقع را بالا می‌برید، اجازه ندارید مربی در جهسه اروپایی را معرفی کنید. باید دید گاریدو اسپانیایی که سال‌ها از قهرمانی دور بوده، می‌تواند پرسپولیس را در مسیر قهرمانی نگه دارد یا خیر.



### چهره

## تشویق سروش به شرکت در انتخابات

مهمترین چهره روشنفکری دینی در سال‌های پس از انقلاب، عبدالکریم سروش نیز به جمع روشنفکران حامی شرکت در انتخابات پیوست. استاد محمدجعید شبستری در همان روزهای نخست تبلیغات ریاست‌جمهوری در دفاع از پزشکین نوشت: «قرائن نشان می‌دهد دکتر مسعود پزشکین دولتی عقل‌محور تشکیل خواهد داد که اعضای آن بر مدار خردورزی، تخصص و برنامه عمل می‌کنند؛ به ملت دروغ نمی‌گویند؛ وعده‌های فریبنده نمی‌دهند؛ در هیچ شرایطی تسلیم‌رانت و فساد نمی‌شوند؛ در سپهری از شفافیت، صداقت و قانون‌مندی حرکت می‌کنند؛ و خود را به حقوق شهروندی احاد ملت ملتزم می‌دانند.» اینک عبدالکریم سروش نیز در ادامه مشی اصلاح‌جویانه شبستری و سایر روشنفکران ایرانی چون مراد تقی، محسن ربانی و تقی آزادارمی، در سخنانی کوتاه

اما مهم به اهمیت استفاده از اندک روزنه‌های موجود برای گشایشی در وضع موجود پرداخته است و ضمن اشاره به نبود راهی دیگر برای تغییر مناسبات، گفته است: «من تحریمی نیستم.» البته او به نام کاندیدای خاصی اشاره نکرده است.



### نگاه خواننده

## زیبایی‌شناسی یک دولت

معمولاً مفهوم سازی و اسم گذاری‌ها از مراحل حس و گمان و فرضیه‌سازی آغاز می‌شوند. در کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی»، توماس اسپرینگز با ترجمه فرهنگ رجایی به‌طور مشروح به این موضوع می‌پردازد که فرضیه‌ها و نظریه‌ها به‌نوعی پاسخگویی به بحران‌های جامعه است. حال با مینا قرار دادن این نکته از یک طرف و ذوق زیبایی‌شناسی از سوی دیگر، علاقه‌مند شدم نام دولت احتمالی آقای پزشکین را دولت مسعود بنامم. این نام مسعود به سه موضوع اشاره دارد: اسم خود رئیس‌جمهور احتمالی، خودواژه که به‌معنای خوشبخت، مبارک و خجسته می‌باشد و از همه مهم‌تر شاخص کردن پنج بحران و تلاش برای رفع این بحران‌ها که حرف نخست آن‌ها در کنار هم به‌شکل مسعود ترسیم شده تا ذوق زیبایی‌شناسی و تبلیغاتی نیز داشته باشد. بی‌شک جامعه‌ی ایران در این زمان، بحران‌های متنوعی دارد ولی از بین این بحران پنج بحران انتخاب شده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم: دولت ملی، دولت سرعت‌ساز، دولت عدالت‌محور، دولت وحدت‌ساز، دولت دانش‌محور یا دانش‌بنیان. از خصایص دموکراسی (مردمسالاری) این است که ضمن حاکمیت رأی اکثریت به‌نیازمندی‌های اقلیت نیز توجه شود. ایران یک جامعه‌ی متنوع به لحاظ قومی، نژادی و زبانی است و در کنار این تنوع آموزه‌ها و ارزش‌های ایمانی از یک‌سو و ارزش‌های مدرنیته از سوی دیگر باعث شده که شاهد انسان‌هایی با جهت‌گیری‌های متفاوت باشیم از این‌رو دولت ملی، دولتی است که بتواند این تنوع را سامان دهد. یکی دیگر از بحران‌های مهم جامعه که شاید از این‌ها نیز به‌اندازه‌ای بیشتر باشد، یکی از آموزه‌های قرآنی این است که «سرعب الحساب»، از این‌رو سرعت‌ساز یکی از جلوه‌های منظومه‌ی ایمان می‌باشد. انتظارات گسترده، تعلیق‌های طولانی اگر نگوییم از منظومه‌ی کفر است ولی قطعاً از منظومه‌ی ایمان نیست از این‌رو بحران‌گدیزی بحران‌مبنایی در این جامعه است. در ادبیات ایمانی به‌واسطه‌ی «الر حمان رحیم» می‌گوییم خداوند رحمان است، خداوند رحیم است، از این‌رو با همین منطقی می‌توان گفت «سرعت، خداست». هر چند تشریح این موضوع نیاز به مجال بیشتری دارد ولی در حد این نکته بسنده می‌کنم که نویسنده‌ی این مقال، از یک‌افق نومدرنیته‌ها با مفهوم عقل سرعت‌ساز صورت‌بندی می‌کند. معمولاً مبنای اصلی مدرنیته‌ها با عقل‌گرایی تحلیل می‌کنند ولی باید اعلام کنیم کدام عقل؟ در موضوع رساله‌ی دکتری سعه کرده‌ام مدرنیته را با عقل جهت‌دار آن هم در جهت سرعت‌سازی تبیین کنم. حتی بر این باور هستم که دیگر دوران تحلیل عدالت‌باتوزیع عادلانه به پایان رسیده است و عدالت را باید با سرعت تبیین کرد زیرا عدالتی که مجهز به سرعت نباشد دیگر مورد پسند انسان‌ها نیست. وقتی عدالتی ارزشمند است که با سرعت بسیار بالا اقدام به پاسخگویی نیازمندی‌های انسان‌ها و شهروندان نماید از این‌رو «سرعت خداست» در مرحله‌ی دیگر می‌شود «سرعت عدالت است».

بحران دیگری که جامعه‌ی ایرانی از آن رنج می‌برد و به‌نوعی یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه‌ی ایمانی و جامعه‌ی مدرن می‌باشد، بحث عدالت‌به‌معنای وسیع آن بوده و هست. همین که تمام‌مکان‌بشری (از جمله لیبرالیسم و سوسیالیسم)، فیلسوفان برجسته‌ی معاصر مثل جان رالز، دولت‌ها در جهان و ایران دغدغه‌ی عدالت‌دادند از این‌رو سامان‌دهی به بحران عدالت‌خواهی یکی از نیازمندی‌های مستمدر در جهان و ایران می‌باشد به همین خاطر «دولت مسعود»، «دولت عدالت‌محور» باید باشد. بحران مهم دیگری که حتی نظام جمهوری اسلامی نیز به‌شدت به آن علاقه‌مند و نیازمند است و در بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به‌طور مستمدر در خصوص اهمیت آن صحبت کرده و می‌کنند، مربوط به تحقق وحدت در جامعه‌ی می‌باشد. وحدت‌نیازمندی مستمدر جامعه‌ی ایرانی است از این‌رو دولت «مسعود»، «دولت وحدت‌محور» نیز باید باشد. یکی از بحران‌های مهم دیگر جامعه‌ی ما در به‌کارگیری مسئولان و کارشناسان براساس گرایش سیاسی و به‌نوعی بانديزای و گروه‌گرایی دولت‌ها در ایران است که آقای پزشکین نیز زوی آن تمرکز کرده است از این‌رو «دولت مسعود»، «دولت دانش‌محور» نیز باید باشد. حال اینکه دولت مسعود را عمل توانایی این را خواهد داشت که بخشی از بحران‌های ایران را سامان‌دهی کند یا نه مربوط به آینده است.